



سخنرانی در دیدار اقشار مختلف مردم و مسؤولان و کارگزاران نظام، در سالروز میلاد حضرت علی (ع) - 10 / بهمن / 1369

بسم الله الرحمن الرحيم

این ولادت باسعادت و مبدأ يك برکت الهی بر بشریت را به همهی آزادگان عالم، مخصوصاً مسلمین جهان و بالاخص به مردم مؤمن و فداکار کشور عزیزمان، تبریک عرض می‌کنم.

وجود امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، از جهات متعدد و در شرایط گوناگون، برای همهی نسلهای بشر، يك درس جاودانه و فراموش‌نشدنی است؛ چه در عمل فردی و شخصی خود، چه در محراب عبادتش، چه در مناجاتش، چه در زهدش، چه در محو و غرق شدنش در یاد خدا، و چه در مبارزه‌اش با نفس و شیطان و انگیزه‌های نفسانی و مادی. این جملات از زبان امیرالمؤمنین، در فضای آفرینش و فضای زندگی انسان، همچنان پرتنین است: "یا دنیا ... غری غیری": ای جلوه‌های دنیا، ای زیباییهای پرجاذبه، ای هوسهایی که قویترین انسانها را به دام خود می‌کشید، بروید کس دیگری غیر علی را فریب بدهید؛ علی بزرگتر و بالاتر و قویتر از این حرفهاست. بنابراین، یکایک انسانهای بیدار، در لحظه‌لحظه‌ی زندگی امیرالمؤمنین و در ارتباطش با خدا و معنویت، درسهای فراموش‌نشدنی پیدا می‌کنند. و باز در بعد دیگر، جهادش برای برپاداشتن و بیاشدن خیمه‌ی حق و عدالت بود. یعنی آن روزی که نبی اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم)، بار رسالت را بردوش گرفت، از اولین ساعات، يك مبارز و مجاهد مؤمن و فداکار - که هنوز در دوران نوجوانی بود - در کنار خود پیدا کرد، و او علی بود. تا آخرین ساعات عمر بابرکت پیامبر (ص)، مجاهدت در راه برپاداشتن نظام اسلامی و بعد حفظ کردن آن، لحظه‌یی امیرالمؤمنین را فارغ نگذاشت. چه قدر مبارزه کرد، چه قدر خطرها را به جان خرید و چه قدر در راه مبارزه برای اقامه‌ی حق و عدل محو بود.

آن وقتی که هیچ‌کس در میدان نمی‌ماند، او می‌ماند. آن وقتی که هیچ‌کس به میدان قدم نمی‌گذاشت، او می‌گذاشت. آن وقتی که سختیها مثل کوههای گران، بر دوش مبارزان و مجاهدان فی‌سبیل‌الله سنگینی می‌کرد، قامت استوار او بود که به دیگران دلگرمی می‌بخشید. برای او، معنای زندگی همین بود که از امکانات خداداده، از قوت جسمی و روحی و ارادی و کلا از آنچه که در اختیار اوست، در راه اعلاي کلمه‌ی حق استفاده کند و حق را زنده نماید. با قدرت اراده و بازو و جهاد علی (ع)، حق زنده شد.

اگر شما ملاحظه می‌کنید که امروز مفاهیم حق و عدل و انسانیت و مفاهیمی که برای انسانهای هوشمند در دنیا بارز است و این مفاهیم، مانده و روزبه‌روز قویتر و راسختر شده است، به خاطر همان مجاهدتها و فداکاریهاست. اگر امثال علی بن ابی‌طالب - که در طول تاریخ بشر بسیار نادرند - نمی‌بودند، امروز ارزشهای انسانی وجود نداشت؛ عنوانهای جذاب برای بشریت، جذابیت نداشت؛ بشر زندگی و تمدن و فرهنگ و آمل و آرمان و اهداف والا نداشت؛ و بشریت به يك حیوانیت وحشی و درنده تبدیل می‌شد. بشریت به خاطر حفظ آرمانهای والا، مرهون امیرالمؤمنین و انسانهای والایی در حد اوست. آن جهادها، این اثر را داشت.

بعد دیگر از زندگی امیرالمؤمنین (ع)، در میدان حکومت است. آن وقتی که این انسان بزرگ‌اندیش و بزرگ، بالاخره بر مسند قدرت و حکومت دست پیدا کرد، در آن دوران کوتاه، کاری کرد که اگر سالهای سال، مورخان و نویسندگان و هنرمندان، بنویسند و تصویر کنند، کم گفته‌اند و کم تصویر کرده‌اند. وضع زندگی امیرالمؤمنین در دوران حکومت، قیامتی است. اصلا علی (ع) معنای حکومت را عوض کرد.

او تجسم حکومت الهی، تجسم آیات قرآن در میان مسلمین، تجسم "اشداء علی الکفار رحماء بینهم" و تجسم عدل مطلق بود. او فقرا را به خود نزدیک می‌کرد - "کان یقرب المساکین" - و ضعفا را مورد رعایت خاص قرار می‌داد.



برجستگانی که با پول و زور و بقیه‌ی وسایل مطرح شدن، خودشان را به ناحق مطرح کرده بودند، در نظر علی (ع) با خاک یکسان بودند. آنچه در چشم و دل او ارزش داشت، ایمان و تقوا و اخلاص و جهاد و انسانیت بود. با این مبناهای بارزش، امیرالمؤمنین کمتر از پنج سال حکومت کرد. قرن‌هاست که درباره‌ی امیرالمؤمنین می‌نویسند و کم نوشته‌اند و نتوانسته‌اند درست تصویر کنند و بهترینها، معترف به عجز و تقصیر خودشان هستند.

ما کسانی هستیم که دنیا ما را به محبت امیرالمؤمنین (ع) شناخته است: "و معروفین بتصدیقنا ایاکم". هم دنیای اسلام، ما را به عنوان کسانی که نسبت به علی بن ابی‌طالب (ع) تعصب و محبت و اعتقاد و وابستگی خاصی دارند، و هم بقیه‌ی مردم دنیا، ما را این‌طور شناخته‌اند. ما باید خودمان را شایسته‌ی این گمان قرار بدهیم. یک روز بود که اگر گفته می‌شد "الحمد لله الذي جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمؤمنین و اولاده المعصومین (علیهم السلام)"، خیلیها شک می‌کردند که این حرف، راست است و حق هم داشتند که شک کنند. می‌گفتند ما خدا را حمد کنیم که متمسک به ولایت امیرالمؤمنین هستیم؟! آن روزی که در این کشور، ولایت، ولایت امریکا و صهیونیستها و اعداء الله بود و نظام اجتماعی، تحت تأثیر افکار و فرهنگ و رفتار و خواست و اراده و عاطفه‌ی دشمنان خدا قرار داشت، ما چه طور حق داشتیم بگوییم "الحمد لله الذي جعلنا من المتمسکین بولایه امیرالمؤمنین"؟! بله، بخش بزرگی از مردم در دل‌های خود، به محبت متمسک بودند و به ولایت اعتقاد داشتند؛ اما ولایت بیش از این است.

امروز ملت ما می‌تواند خدا را بر تمسک به ولایت امیرالمؤمنین (ع) حمد کند. راه انقلاب ما، راه ولایت امیرالمؤمنین، راه حکومت علوی و راه اسلام بوده است. علی (علیه السلام)، برترین و بزرگترین پیشاهنگ و منادی و سردار و مجاهد راه اسلام است. او برای اسلام زندگی کرد، برای اسلام شهید شد و نور و پرتو مشعل وجود او تا امروز، در راه اسلام پرتوافشانی کرده است.

ما می‌خواهیم دنیا و زندگی و نظام ما به گونه‌ی بشود که امیرالمؤمنین (ع) در راه آن، مبارزه و زندگی و جهاد و حکومت کرد. ما می‌خواهیم در نظام ما، عدل اسلامی کامل حکمفرما بشود. هرکسی که در این نظام زندگی می‌کند، باید مجاهدت نماید، تا اگر در رأس جامعه امیرالمؤمنین (ع) قرار می‌داشت، جامعه و نظام ما لایق او می‌بود. ما باید این‌طور حرکت کنیم.

باید کاری کنیم که نظام و کشور و جامعه‌ی ما، یک جامعه‌ی علوی باشد. اسم اسلام و اسم ولایت، کافی نیست. بخصوص کسانی که مسؤولیتی بر دوش دارند و مأموریتی از نظام الهی و اسلامی برعهده‌ی آنهاست - چه در دستگاه قضایی، چه در دستگاه اجرایی، چه در دستگاه قانونگذاری، چه در دستگاه انتظامی، و چه در نهادها و دستگاه‌های مختلف - زبان و بازو و راه و کار، باید زبان و بازو و راه و سبک کار امیرالمؤمنین (ع) باشد. امیرالمؤمنین برای خدا و در راه او کار می‌کرد، به درد مردم می‌رسید، مردم را دوست می‌داشت و خدمت به آنها را وظیفه‌ی خود می‌دانست. با این که حکومت او در جهت خدمت به مستضعفان بود، به این اکتفا نمی‌کرد؛ شبها هم، تنها و به صورت فردی، به کمک یک‌یک مستضعفان می‌رفت. این، زندگی امیرالمؤمنین (ع) است.

در نظام ما، هر حرکت و سیاست و قانون و تلاشی، باید در خدمت مردم مستضعف و محرومی باشد که حکومت طولانی و بلندمدت طاغوتها، آنها را از جهات مختلف، به استضعاف و ضعف دچار کرده است. این، راه ماست. این، آن راهی است که امیرالمؤمنین (ع) پیمود. این، آن راهی است که امام و معلم و رهبر عظیم‌الشأن این انقلاب، آن را از علی (ع) درس گرفت و پیش پای ما گذاشت. باید در آن راه حرکت کنیم.

علی (ع) در هر سطحی، با هر نامی و زیر هر پوششی، ظلم‌ستیز بود. زندگی دشوار امیرالمؤمنین را نگاه کنید. این جنگ‌های اوست؛ ببینید با چه کسانی جنگید، چه‌طور جنگید، با چه صلابتی جنگید، آنها چه کسانی بودند، زیر چه نامها و عنوان‌های فریبنده‌ی پنهان شده بودند. اما وقتی تشخیص می‌داد که این، ظلم و باطل است، درنگ نمی‌کرد.



این، راه ماست؛ راه دشواری که باید آن را طی کنیم. این، راه یکایک کسانی است که ادعای پیروی از امیرالمؤمنین (ع) را می‌کنند؛ راه مقابله‌ی با ظلم و ظالم، در هر سطحی و با هر کیفیتی.

آن چیزی که ملت مسلمان ما و نظام جمهوری اسلامی را مورد تهدید قرار داد - تهدید ستمگران و گردنکشان و طغیانگران عالم - همین نقطه‌ی اصلی و اساسی است که در زندگی امیرالمؤمنین (ع) مشاهده کردیم و وظیفه‌ی ماست که این راه را دنبال بکنیم. پیداست کسانی که عادت کرده‌اند و مردم دنیا را عادت داده‌اند که هرچه گفتند، از آنها پذیرفته بشود، برایشان سخت است تحمل کنند. ملتی با تمسک به اسلام و قرآن، در مقابل قلدربهای آنها ایستاده است. بدیهی است که با آن ملت، دشمن می‌شوند و دشمنی می‌کنند.

اگر امریکا و قدرتمندان و قلدران عالم، با جمهوری اسلامی دشمن نمی‌شدند و بغض ملت ایران را در دل نمی‌گرفتند، جای تعجب بود. اگر طراحان سیاستهای مودیانه و امنیتی و تبلیغاتی صهیونیسم در سرتاسر عالم، شب و روز علیه جمهوری اسلامی توطئه نمی‌کردند، مایه‌ی تعجب و شگفتی بود. راه اسلام، راه مقابله‌ی با اینهاست. اینها از اسلام می‌ترسند. اینها از اسلام سیلی خورده‌اند. اینها از اسلام و مسلمانان مؤمن و مخلص و مبارز، در ذهن خودشان خاطره‌ی تلخ دارند. لذا از اول انقلاب، با نظام جمهوری اسلامی مقابله و مبارزه کردند و انواع و اقسام توطئه‌ها را به کار بردند، که یکی از خباثت‌آمیزترین کارها این بود که همسایه‌ی ما را روزبه‌روز بیشتر و پیچیده‌تر تجهیز کنند و به جان جمهوری اسلامی بیندازند. شما ملت ایران، آن قایله را ختم کردید. شجاعت شما بود که دشمن را وادار به ختم قایله کرد.

امروز خود آنها در همان چاهی که حفر کردند، افتاده‌اند. آنچه امروز در عراق اتفاق می‌افتد - این ظلم بزرگی که از طرف مهاجمان و متجاوزان مستکبر و ظالم، به ملت عراق می‌شود - لکه‌ی ننگی در تاریخ زندگی اینهاست. ببینید با ملت عراق چه می‌کنند. آمارها را افشا نمی‌کنند، حقایق را بیان نمی‌کنند. ملت عراق، مگر چه گناهی کرده‌اند که باید این قدر فشار ببینند و زجر بکشند؟

امروز سردمداران امریکا و رفقا و همپیمانان و همقسمهایش، یکی از بزرگترین جنایات بشری را در عراق انجام می‌دهند. خدا می‌داند که چه قدر از ملت عراق در این روزها، یا کشته یا مجروح یا معلول یا بی‌خانمان شدند. اینها به عهده‌ی کیست؟ این خونها به گردن کیست؟ می‌گویند: ما چند هزار سورتی پرواز داشتیم. این پروازها، این بمبها را در کجا فرو ریختند؟

چند فروند موشک در سرزمین صهیونیستها فروافتاد، از همه‌ی دنیا صدای مهره‌های استکبار جهانی درآمد، همدردیشان را اعلام کردند و از صهیونیستها حمایت نمودند! صدها و هزارها برابر آن، نسبت به مردم عراق اتفاق می‌افتد، پس چرا خفه شده‌اند و سکوت کرده‌اند؟! این است معنای طرفداری از حقوق بشر؟! استکبار غرب، چهره‌ی کربه خودش را نشان داد. ما نمی‌خواهیم از این سردمداران عراق حمایتی بکنیم - آنها هم درجای خود مقصرند - اما این مسأله، مسأله‌ی دیگری است. مسأله این است که امروز یک ملت مسلمان، زیر دست و پای استکبار غرب - که دست به دست هم داده‌اند؛ بعضی پول می‌دهند، بعضی تجهیزات می‌دهند، بعضی تشویق می‌کنند، بعضی هم جنایت را مستقیماً انجام می‌دهند - له می‌شود و از بین می‌رود. البته ملت عراق از بین نخواهد رفت؛ بلکه زنده خواهد ماند. تا وقتی متمسک به اسلام است، زنده است.

اینها چهره‌ی خودشان را نشان دادند. ببینید چه می‌کنند. اینها همان کسانی هستند که وقتی یک انفجار در یک گوشه‌ی دنیا اتفاق بیفتد، همه‌ی دنیا را پر می‌کنند که غیرنظامیان کشته شدند. الان در بصره و بغداد و نجف و کربلا و اکتاب مقدس و بقیه‌ی شهرهای عراق، چه کسانی کشته می‌شوند؟ غیرنظامیان و زنان کشته می‌شوند، کودکان نابود می‌شوند. این، چهره‌ی استکبار جهانی است؛ او را بشناسید - و شما می‌شناسید - مردم دنیا اینها را بشناسند. اینها کسانی هستند که برای منافع و نفت و راه افتادن چهار کارخانه‌شان، حاضرند هزاران انسان را به خاک و خون



بکشند! امریکا و انگلیس و فرانسه و بقیه‌ی قدرتهای غربی، اینند. تنها چیزی که بشریت را از دست این گرگهای خونخوار و آدمیخوار نجات می‌دهد، اسلام انقلابی است. ملت‌های مسلمان، اگر می‌خواهند از دست سلطه‌ی شیطانی و جهنمی این استکبار خبیث غربی - که شیطان اکبرشان امریکا امروز پیشاپیش است و بقیه هم دنبال سر او می‌روند - نجات پیدا کنند، راهش این است که به قرآن و اسلامشان برگردند، مشتشان را محکم کنند و بر سر متجاوزان و مزدوران‌شان بکوبند. این کاری است که ملت ایران کرد. دهه‌ی فجر در پیش است. دهه‌ی فجر، یعنی خاطره‌ی شکفتن این نیروی عظیم و زنده شدن و فعال شدن آتشفشان بزرگی که دنیای استکبار را تکان داد. این دهه‌ی فجر را خیلی قدر بدانید و البته ملت ایران قدر می‌داند. هر روزی از روزهای این دهه - مخصوصاً روز بیست و دوم بهمن - ایام الله و خاطره‌های فراموش‌نشده‌ی برای ملت ایران هستند. حقیقتاً ملت ما در این دهه جان گرفت.

شما ببینید در هر حادثه‌ی از این حوادث، ملت ما چه کردند؟ همین روزها مصادف با حادثه‌ی آمل است، که جمعی از برادران و خواهران آملی ما هم ظاهراً در این جا تشریف دارند. مردم ما در آمل و آذربایجان و مازندران و گیلان و اقصا نقاط کشور، چه کردند؟ ملت ما در طول این دوازده سال، هر جا که نشانه‌ی از دست استکبار و استعمار مشاهده کردند، چگونه با هوشیاری و قاطعیت عمل کردند؟ ثمره‌ی یک انقلاب، این است. دستاورد بزرگی که انقلاب اسلامی به مردم ما داد، مردم را زنده کرد؛ آنها را به هوش آورد و شجاعت و قدرت و عزتشان داد. ملت ما، اول ملتی بود که ثابت کرد امریکا هیچ غلطي نمی‌تواند بکند. ملت‌های دیگر هم، راهشان همین است و باید عمل و اقدام کنند. راه اقدام هم، تمسک به اسلام است. امیدواریم که ان شاء الله خداوند به شما توفیق بدهد. در ایام دهه‌ی فجر، برادرانی که مسؤول اداره‌ی این مراسم هستند، یک روز را هم برای همدردی با ملت مسلمان و مظلوم عراق مشخص کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته